

تجربه اندوزی از جریان کریمه

(قسمت نخست)

امیرفیض - حقوقدان

رویداد اخیر اوکراین و پی آمد آن همه پرس‌های کریمه بحث‌های حقوقی - سیاسی خاصی را به خود اختصاص داده است. کشورهای اروپایی و خاصه آمریکا همه پرس‌های در شبه جزیره کریمه به محدوده سوال الحاق به روسیه را امری خلاف حقوق بین الملل دانسته اند و از شناسایی نتیجه رفتارند ابا و امتناع دارند.

استدلال آنان بر این پایه است که هیچ کشوری نمیتواند کشور دیگری را یک خودمختاری را با همه پرس‌های ضمیمه خاک کشور خود بنماید و لاجرم اقدام روسیه را معارض با حقوق بین الملل گرفته اند.

روسیه مدعی است که اتباع روس در شبه جزیره خودمختار کریمه که از نظر سیاسی وابسته به کشور اوکراین هستند در مخاطره و عدم امنیت قرار دارند و دولت خودمختار کریمه از دولت روسیه تقاضای کمک و تامین امنیت نموده است.

درس از رویداد کریمه

نکته انحرافی و گم‌شده در اظهار نظر مقامات برخی از کشورهای اروپایی نسبت به کریمه و همه پرس‌های آن، سابقه سیاسی و هویتی کریمه است، که در ماجرای همه پرس‌های، با همه اهمیت که دارد مورد اشاره و استناد و مشروعیت همه پرس‌های قرار نگرفته است. بررسی و شناخت آن محمول و یا گم‌شده همان درس‌های است که رویداد کریمه نصیب ما ایرانیان مینماید.

اهمیت این درس و تجربه اندوزی از جریان کریمه آنقدر قابل اهمیت است که اذعان دارم اساساً تحریر حاضر بمنظور دستیابی به همین تجربه است.

و اما بعد

شبه جزیره کریمه از قرن ۱۸ بخش سرفراز و شناخته شده روسیه بوده است و از آنجا که راه روسیه به آب‌های آزاد جهان از بندر معروف کریمه آغاز میشود و بهترین گردشگاهها و ترفیقات مدرن در آن جزیره بوده سمبل معرفی روسیه، کریمه بود.

در سال ۱۹۵۴ خروشچف که خود از نژاد اوکراین بود کریمه را به دولت اوکراین هدیه داد، بعد از فروپاشی شوروی، بندر سباستوپل که مهمترین بندر کریمه است، از طرف دولت اوکراین به اجاره شوروی درآمد که مدت اجاره تا سال ۲۰۴۲ میباشد.

نکته گمشته که ندیدم در اظهار نظرهای حقوقی نسبت به اوکراین و کریمه مطرح شده باشد همین مسئله هدیه دادن قسمتی از خاک شوروی (کریمه) به کشور اوکراین است.

هیچ رئیس کشوری نمیتواند وحق ندارد که قسمتی از خاک کشورش را به کشور دیگری هدیه کند، در قانون اساسی هیچ کشوری چنین حقی به رئیس کشور وحتی به مجلس آن کشور داده نشده است و هیچ سابقه حقوقی در حقوق بین الملل وجود ندارد که مجوزی برای مشروعیت هدیه دادن کریمه به اوکراین باشد.

کریمه در سال ۱۹۵۴ یک بیابان لم یزرع خالی از سکنه نبوده است، ۲ میلیون سکنه داشته که تمامی آنان تابعیت شوروی را داشته اند چگونه میتوان و ممکن است رئیس کشوری سرزمینی را با دو میلیون انسان با اهلیت و تابعیت خاص و شناخته شده به کشور دیگری هدیه بدهد، حیوانات را میتوان هدیه داد نه انسان هارا.

عمل خروشچف که خود اهل اوکراین بوده یک خیانت به کشور شوروی و ملت آن است و عملی است که بهیچوجه آثار حقوقی سالم متوجه آن نیست صدها سال هم که بگذرد بر عمل باطل استواری حق ممکن نیست خاصه آنکه در زمان خروشچف زبان مردم شوروی بسته و باب اعتراض و مقاومت مفقود بوده است.

آقای پوتین در رابطه با هدیه کریمه به اوکراین از طرف خروشچف گفته است: <من نمیدانم چرا این کار صورت گرفته شاید هم کشتاری که خروشچف از اوکرانیها کرد به این هدیه مبادرت کرد< و درسختان دیگری عمل <اهدای کریمه به اوکراین را یک اشتباه نامید< آقای گورباچف به فاکس نیوز گفت: <رفراندوم کریمه اشتباه دوران شوروی را تصحیح کرد>.

اکنون تجربه اندوزی

روسیه در رابطه با ماجرای کریمه به هیچوجه سابقه مالکیت روسیه را بر کریمه مطرح نکرد و همچنین عمل سرخود و غیرقانونی خروشچف مبنی بر هدیه کریمه به اوکراین را مستند دخالت خود در ماجرای کریمه قرار نداد و تنها اکتفا کرد به عدم امنیت و درمخاطره بودن روسهای مقیم کریمه که در ارتباط با اوضاع اوکراین میتوانند محملی برای اقدامات بعدی از جمله همه پرسی باشد.

سؤال کلیدی تجربه

چرا دولت روسیه به دلیل هدیه کریمه که دلیلی سنگین و رسوب پذیر در افکار عمومی جهان و مردم روسیه است استناد نمود و رفت سراغ عدم امنیت و بیم خشونت علیه روسهای کریمه؟

پاسخ یرشی بالا تجربه ماست

کاملاً درست است که رئیس هیچ کشوری نمیتواند بخشی از سرزمین کشور را به کشوردیگری هدیه کند و همچنین درست است که حق روسیه و مردمش بر کریمه به هیچوجه زائل شدنی نیست و بهر صورت که باشد طبیعت حق باطل شدنی نیست (الحق یعلوا ولا یعلی علیه) ولی روابط حقوقی بین کشورها بمنظور آنکه کشمکش ها ابدی نگردد، مستقر بر حمایت از وضعیت های استمراریافته گردیده و به همین دلیل به راه مرور زمان که در حقوق خصوصی وجود دارد متمسک شده است و تصرفات بر سرزمینها و حقوق کشورهای دیگر پس از گذشت زمان و یا اقداماتی که بنظر دادگاه بین المللی تائید ضمنی محسوب میشود، دادگاه دعوی مدعی حق را رد میکند و حق مدعی از حالت اجرائی به حالت تاریخی درمیآید.

دولت روسیه از این جهت به تصرفات اوکراین و اقدامات خروشچف استناد نکرد، زیرا پس از سقوط شوروی دولت روسیه کنونی با دولت اوکراین قرارداد اجاره ای برای بندر سباستوپل تا سال ۲۰۴۲ امضا کرد همین سند اجاره تائید عمل خودسرانه خروشچف محسوب و دادگاه بین المللی ادعای روسیه را مردود میساخت، و پوتین بمناسبت این اشکال حقوقی بدان دلیل متوسل نگردید.

در حالیکه ادعای درمخاطره بودن روسهای ساکن کریمه و حتی اوکراین مرور زمان پذیر نیست و نمونه های بین المللی آن جریان، ادعای روسیه را منطبق با سیاق و رویه های بین المللی میسازد.

نمونه ها

خسارات جنگ عراق و ایران

نمونه ای که میتوان ارائه داد مطالبه خسارات جنگی ایران از عراق است؛ اسناد بین المللی مقید به حق ایران از بابت خسارات جنگی از عراق است ولی بمناسبت روابط خاصی که جمهوری اسلامی بعد از پایان جنگ با عراق پیدا کرد و کمکهای مالی و اقتصادی و سیاسی ایران به عراق معمول گشت، دادگاه بین المللی دعوی مطالبه خسارت جنگی ایران را وارد نخواهد دانست خاصه که مدتها از زمان معمول برای طرح آن گذشته است.

نمونه دیگر

- در جریان مذاکرات دولت قوام با فرقه دمکرات و اعزام هیئت فرقه به تهران یکی از خواستهای فرقه، شناسائی درجات افسران فراری ارتش شاهنشاهی بود که از پیشه وری دریافت کرده بودند و شاهنشاه ایران سخت مخالفت کردند و جمله تاریخی **<اگر دستم قطع شود هرگز سند تجزیه ایران را امضا نمیکنم>** مربوط به همان واقعه است.

اگر شاهنشاه با درخواست فرقه دمکرات موافقت میکردند همین موافقت که بنظرچندان مهم نمیآمد و حتی ممکن بود نوعی بزرگواری شاه منظور گردد سبب توقف جریان شکایت ایران بنمایندهای آقای حسین علاء علیه شوروی در سازمان ملل متحد و دادگاه حقوقی بین المللی میگردد.

نمونه دیگر

همانطور که درتحریرسابق اشاره شد حسب اعلام روزنامه آمریکائی دافنس نیوز جمهوری اسلامی با امارات برسرجزایر سه گانه ایران در خلیج فارس مصالحه ای کرده که مالکیت آن جزایر متعلق به امارات باشد ودرعوض، ایران حق بهره برداری از آبهای ساحلی آن جزایر را داشته باشد.

اگر این خبردرست باشد، همان توافق برسرآبهای ساحلی سبب اصالت یافتن سلب حق مالکیت ایران ازجزایر سه گانه ایران درخلیج فارس بوسیله دادگاه های بین المللی خواهد شد.

مقصود ازاصالت یافتن، اصالت ادعائی ناشی از رسیدگی دادگاههای بین المللی است نه اصالت برخاسته ازحق. یعنی دادگاه سکوت مجلس شورای اسلامی ونبود واکنش سریع وقاطع نسبت به تصمیم احتمالی مبنی برسلب مالکیت ایران را از جزایر سه گانه وبی تفاوتی عمومی مردم وخاصه مخالفان جمهوری اسلامی را حمل براصیل بودن اقدامات جمهوری اسلامی نسبت به جزایر سه گانه ایران خواهد گرفت.

درس بسیار مهم

بافروپاشی اتحاد جماهیرشوروی که بابرنامه ریزی آمریکا وانگلیس تحقق یافت ۱۵ کشورجدید ازبدنه اتحاد جماهیرشوروی اعلام استقلال کردند که ازجمله ارمنستان، آذربایجان، استونی، گرجستان و بسیاری دیگر وهمچنین اوکراین میباشد. اسناد سیاسی نشان میدهد که سر زمین های مزبور با جمع آوری امضا ورجوع به سازمان ملل متحد وبا پشتیبانی آمریکا چنان بسرعت به استقلال وعضویت درسازمان ملل متحد رسیدند که باورکردنی نیست.

این تجربه تاریخی بما میاموزد، همانطور که سقوط شوروی کمونیست تجزیه اتحاد جماهیر شوروی را دربرداشت وقطعات آن کشور با اعلام استقلال عضوسازمان ملل گردیدند تا هرگونه تعرض وتجاوز روسیه به آن کشورها با مخاطرات وتهیدیدات شورای امنیت مواجه شود، بافروپاشی جمهوری اسلامی که دربرنامه سیاسی آمریکاست؛ تجزیه ایران هم پیوست آن خواهد بود. به همان راحتی که اتحاد جماهیر شوروی تکه تکه شد برای ایران هم همان سرنوشت را دیکته کرده اند وهمانطور که اقلیتهای اتحاد جماهیر شوروی با تهیه قطعنامه وجمع آوری امضا با کمک آمریکا اسباب جدائی رافراهم ساختند، چنین اسنادی ازطرف گروههای ایرانی خارج ازکشوربحمايت وکمک آمریکائها تهیه شده

تا بموقع درسازمان ملل متحد مورد استناد قرارگیرد نمونه آشکار آن همان قطعنامه شورای به اصطلاح ملی ناپیداست!!

گذشت زمان وعدم اعتراض به جریان مقدماتی وتهیه اسناد خودمختاری واستقلال مناطق ایران حالتی را به وجود میآورد که به طرح تجزیه ایران که تهیه وتدارک شده بیگانگان است ایجاد حقانیت ظاهری خواهد کرد (به پیش گفته دراین تحریر رجوع شود).

مرورزمان درحقوق بین الملل

این نکته شنیدنی است که حقوق بین الملل مانند حقوق خصوصی مدت معینی برای تعلق مرورزمان به دعاوی بین کشورها قائل نشده است وتشخیص موضوع واقدامات کشورمعارض ودیگرمسائل مربوطه از اسباب تشخیص مرورزمان است، دادگاه بین المللی، زمینه های مساعد ویا مخالفت با تجاوز متجاوز- وجود جریان کره واجبار- روابط سیاسی واقتصادی قبل وبعد ازتجاوزواقدمات حقوقی واحتمالا مجازات کسانی که زمینه تجاوزکشور متجاوز را فراهم کرده وزمان گذشت تجاوز ومسائلی ازاین دست را ملاک تشخیص مرورزمان میگیرد (مرورزمان مدتی است که با گذشت آن دعاوی مدعی، علیه مدعی علیه ساقط وغیرقابل رسیدگی است).

ازباب نمونه میتوان به قضیه لاگرانڈ اختلاف بین آلمان وآمریکا اشاره کرد که دادگاه بین المللی به این دلیل که آلمان ۶ سال بعد ازبروز اختلاف به دادگاه رجوع کرده وارد رسیدگی نشد.

دراینجا می بینیم که مدت ۶ سال ازمتن مدون نیست بلکه مدت، به تشخیص دادگاه است که این موضوع دروضعیت مطالبه خسارت جنگی ایران علیه عراق کاملاً قابل تطبیق است.

این اشاره بجاست که دولت کویت اول مسئله پرداخت خسارت جنگی راباعراق حل کرد وبعد به برقراری روابط با عراق پرداخت وفاصله پایان جنگ وقرارپرداخت خسارات جنگی هم بسیارکوتاه بود.

(کویت صاحب داشت وایران نداشت).

اعتراض آمریکا وغربی ها به جریان کریمه

تغییر بهانه

قبل ازفراندم کریمه آمریکا وغرب یکصدآ روسیه رابه تجاوزبه کریمه متهم ساختند ولی بعداز رفراندم ادعای آنها تغییر کرد وشد به اینکه همه پرسی زیرقدرت ارتش روسیه انجام شده پس فاقد اعتبار ومشروعیت است.

مفهوم مخالف ادعای آمریکا وغرب این است که اگررفراندم صحیح وبدورازمداخله روسیه وارتش آن کشور انجام گرفته باشد واجد اعتبارومشروعیت است.

خبرگزاری بی - بی - سی گزارش مفصلی از جریان همه پرسی کریمه پخش کرده که در آن میخوانیم

>بیش از ۶۰۰ روزنامه نگار از ۱۶۹ رسانه خارجی برای تهیه گزارش از همه پرسی در منطقه کریمه مستقر هستند - سازمان امنیت و همکاری اروپا در همه پرسی کریمه نظارت خواهد کرد - تعداد ۱۳۵ ناظر بین المللی از ۲۳ کشور اتریش - آلمان - بلژیک - بلغارستان - فرانسه - مجارستان - ایتالیا و لهستان همه پرسی کریمه را نظارت خواهند کرد.

رئیس ناظران اتحادیه اروپا در کریمه گفت: >هیچ نقصی در فرایند دیده نمیشود<.

خبرنگاران و ناظرین خارجی در فرایند نوشتن با هر کس صحبت کردیم علاقه به جدائی از اوکراین و پیوستن به روسیه را داشت (بی - بی - سی)

هیچ گزارشی از دخالت روسیه در فرایند ویا تقلب و جابجائی منتشر نشده و برعکس نوشتند >۹۵/۵ شرکت کنندگان در همه پرسی به جدائی این منطقه از اوکراین و پیوستن به روسیه رای مثبت دادند.

پایان قسمت اول